

بر مبنای چه رویکردی به جواب می‌رسید: بینش آنی یا تحلیل؟
چگونه مشکلات را در زمان کمتر اما با دقت بالاتر حل کنیم

How to Train Your Brain To Stop Overthinking



درباره آخرین باری که موفق شدید یک مشکل مربوط به کسب‌وکار را حل کنید، فکر کنید. به نظر شما کدامیک از این دو راهکار بهتر است؟ مسئله‌ای در یک چشم برهم زدن حل شود یا این‌که در ابتدا مسئله مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار بگیرد تا سطح آگاهی را افزایش دهد و در انتها راه‌حلی برای مشکل ارائه شود؟ جوابی که مشاهده می‌کنید ممکن است شما را کمی غافل‌گیر کند.

زمانی که طرحی یا مشکلی در ارتباط با یک موقعیت کسب‌وکار پیش روی شما قرار می‌گیرد چه رویکردی را بر می‌گزینید؟ مشکل را از طریق ارائه ایده‌ای در ارتباط با ساخت یک محصول جدید حل می‌کنید؟ به فرموله کردن یک طرح بازاریابی جدید فکر می‌کنید؟ مشکل را بر مبنای حقایق و آمارهای واقعی حل می‌کنید؟ چک‌لیست‌هایی را آماده می‌کنید و در ادامه موقعیت‌ها و فرصت‌ها را تا پیدا کردن راه‌حل مورد نظر مورد تحلیل قرار می‌دهید یا به طور کلی بر مبنای یک بینش آنی راه‌حلی برای مشکل ارائه می‌کنید؟ به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از مسائل را می‌توان بر مبنای هر یک از این دو راهکار حل کرد. اما این دو روش در عمل تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

مطلب پیشنهادی



به این ۵ نکته توجه داشته باشید
۵ اشتباه رایج زبان بدن در هنگام مصاحبه

تیمی از پژوهشگران دانشگاه Northwestern به سرپرستی کارلو سالوی آزمایشی را ترتیب دادند تا بررسی کنند کدامیک از این دو رویکرد برای حل مشکلات مناسب‌تر هستند. برای پاسخ‌گویی به این پرسش، آن‌ها بیش از 200 دانشجوی دانشگاه Northwestern و Milano-Bicocca را فراخواندند و مسائل مختلفی را پیش روی آن‌ها قرار دادند تا آن‌را حل کنند. این مسائل در ارتباط با کلمات درهم ریخته، معمای تصویری، معمای کلمات و شناسایی یک شی بر مبنای بخشی از یک تصویر متمرکز بودند.

به دانشجویان اجازه داده شد تا مسائل را بر مبنای رویکرد انتخابی خود، بینش اولیه یا تحلیل مسئله حل کنند. اما دانشجویان در انتها باید گزارش می‌کردند از چه راهکاری استفاده کرده‌اند. راه‌حل‌ها را بر مبنای تحلیل یک مسئله ارائه کرده‌اند یا راه‌حل‌ها بر مبنای بینش اولیه به دست آمده‌اند. همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، طیف گسترده‌ای از راه‌حل‌ها بر مبنای بینش آنی بود و جالب‌تر آن‌که جواب‌هایی که بر مبنای این رویکرد ارائه شده بودند به درستی

مسائل را حل کرده بودند. این پژوهش نشان داد جواب‌های مبتنی بر بینش در 94 از زمان‌ها و جواب‌های مبتنی بر تحلیل در 78 از زمان‌ها قادر هستند به درستی راه‌حلهایی را برای مسائل فوق ارائه کنند.

مطلب پیشنهادی



چرا تیم‌ها شکست می‌خورند؟
تیم‌ها برای شکست از این ۱۰ نکته غفلت کنند!

چرا بینش با این ضریب بالا برنده آزمایش فوق شد؟

چرا بینش در این زمینه بهتر ظاهر شده بود؟ در جواب باید بگوییم، تجزیه و تحلیل به طور معمول یک مسئله را به عنوان ورودی دریافت می‌کند و آن را به قطعات یا مراحل کوچک‌تری می‌شکند تا هر یک از اجزا را به صورت مجزا از یکدیگر مورد بررسی قرار دهد. اگر در هر یک از این مراحل بدون آن‌که موضوع را به درستی درک کرده باشید به اشتباه راه‌حلی را ارائه کنید این احتمال وجود دارد که پاسخ اشتباه کل فرآیند را تحت تاثیر خود قرار دهد و خروجی را به طور کامل خراب کند. در حالی که در ظاهر این‌گونه به نظر می‌رسد که بینش جایی در این رویکرد ندارد. اما به طور معمول در این فرآیند خروجی کار دانشی است که به صورت ترکیبی آماده شده است. به گونه‌ای که در بعضی از موارد ممکن است در حل یک مشکل از ضمیر ناخودآگاه خود نیز استفاده کرده باشید.

مطلب پیشنهادی



ترندهای موفقیت در مصاحبه‌های شغلی و نوشتن رزومه
منتشر شد: کتاب الکترونیکی « فقط ۶ ثانیه برای استخدام فرصت دارید »

بینش یا شهود یک رویکرد همه یا هیچ دارد. با این وجود پژوهش فوق نشان داد مردمی که تمایل دارند مشکلات را از طریق بینش حل کنند به احتمال زیاد می‌توانند هر نوع جوابی را در زمان کوتاهی ارائه کنند. در حالی که مردمی که با اتکا بر تحلیل راه‌حل‌ها را ارائه می‌کنند، ممکن است در بعضی موارد با مشکل روبرو شوند.

اما سوال اصلی این است که نتیجه پژوهش فوق چه دستاوردی برای ما دارد؟ ما در ارتباط با ارائه یک راه‌حل برای یک مسئله و تصمیم‌گیری در ارتباط با حل مشکل از چه رویکردی بهتر است استفاده کنیم؟ به نظر می‌رسد دستیابی به راه‌حل‌ها بر مبنای بینش جواب‌های دقیق‌تری را نسبت به رویکرد تحلیل گام به گام در اختیار ما قرار دهند. اما چگونه می‌توانیم سطح آگاهی خود را افزایش دهیم؟

یکی از معدود مواقعی که خواندن را متوقف می‌کنید، فیلم دیدن را متوقف می‌کنید و معمولاً با کسی صحبت نمی‌کنید، زمانی است که ذهن شما تلاش می‌کند به ساده‌ترین شکل و با صرف کمترین انرژی ایده‌های روشنی در اختیار شما قرار دهد. ایده‌هایی که شاید با نشستن پشت میز کار هیچ‌گاه به ذهن شما خطور نمی‌کنند. حل مشکلات نیز بر مبنای همین قاعده کار می‌کند. اگر کار کردن روی یک مشکل را متوقف کنید و به ذهن خود اجازه دهید مشکل را حل کند در اندک زمانی پنجره‌های جدیدی برای حل مشکل در اختیار شما قرار خواهد داد. این رویکرد به شما اجازه می‌دهد بخش‌های مختلف مغز خود را در ارتباط با حل مسائل دیگر به خدمت بگیرید. سعی کنید در آینده زمانی که به مشکل پیچیده‌ای برخورد کردید آن را بر مبنای این رویکرد حل کنید.

تاریخ انتشار:

نشانی منبع: <https://www.shabakeh-mag.com/success-and-entrepreneurship/7005>